

# از بیرونی - اندرونی تا

## اشاره

معماری از شاخصه‌های مهم شناخت هر تمدنی است؛ از این رو بررسی معماری و به دنبال آن شهرسازی اسلامی، می‌تواند راهنمای خوبی برای شناخت بیش‌تر تمدن اسلامی باشد. نوشتار زیر سعی دارد تا اشاره کوتاهی به تاریخچه این معماری و روند تغییر آن در طی زمان داشته باشد.



سجاد کریمان‌مجد

هنر

معماری اسلامی تجلی هنرمندانه‌ای از حکمت اسلامی و ایرانی به شمار می‌آید. نقش ایرانیان در این معماری کاملاً مشهود است؛ چرا که اعراب جاهلی به حسب موقعیت ویژه اقلیمی، بیش و پیش از آن‌که دلبسته مکان باشند، وابسته به زمان بودند. آن‌ها نوعاً اقوامی «غیر یک‌جانشین» بودند و استقرار قطعی نداشتند. دلبستگی فراوان ایشان به شعر بیش از هر عنصر دیگری بود و لذا باشعر و موسیقی انس بیش‌تری داشتند، تا آن‌جا که برخی از اندیشه‌وران در این باره نوشته‌اند: «تازیان همه هنرشان در شعر خلاصه می‌شود». اعراب، جز شعر - آن هم با محوریت زن و غنچه موضوعی عناصر نازل - بهره چندانی از هنر و به ویژه معماری نداشتند؛ لذا در تکوین و غنای هنر و معماری اسلامی نقش زیادی ایفا نکردند...

ما معتقدیم که جهان‌بینی اسلامی، جامع‌ترین و زیباترین نگاه را به هستی دارد و به روشنی می‌توان نقش این نوع جهان‌بینی را در معماری‌های اسلامی مشاهده کرد. یکی از ارکان این جهان‌بینی توحید است، به گونه‌ای که وحدت را رمز وجود و قانون محوری هستی دانسته‌اند. خواست حضرت سبحان این است که همه موجودات را به عرصه وجود آورد و سرانجام نیز همه چیز هدف‌مند به سوی او باز گردند. در پرتو چنین بینشی است که همه صورت‌ها دارای مرکزی معین هستند و اجزا، آشفته، بی‌هویت و مبهم می‌شوند. پس بی‌سبب نیست که حیاط، همیشه در مرکز بنا قرار می‌گیرد، کوشک در میان باغ خودنمایی می‌کند، ایوان در میان نما، گنبدخانه در وسط حوض، حوض در مرکز حیاط و فواره در میان حوض جای می‌گیرد. همه چیز از یک نقطه آغاز می‌شود و به سوی همان نقطه میل می‌کند. این اعتقاد «از اوبی» و «به سوی اوبی» که از متن قرآن مجید برخاسته است - انا لله و انا الیه راجعون - در همه تدبیرها و تحرکات معمار مسلمان، پیوسته حضور دارد.

۵

◆◆ معماری اسلامی تجلی هنرمندانه‌ای از حکمت اسلامی و ایرانی به شمار می‌آید و نقش ایرانیان در آن کاملاً مشهود است.

◆◆ ما معتقدیم که جهان بینی اسلامی، جامع‌ترین و زیباترین نگاه را به هستی دارد و به روشنی می‌توان نقش این نوع جهان بینی را در معماری‌های اسلامی مشاهده کرد.

# آشپزخانه Open

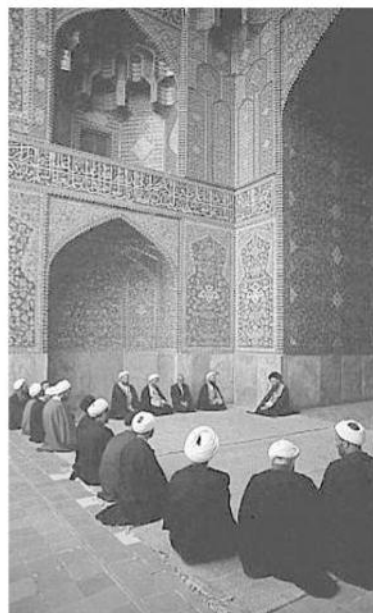
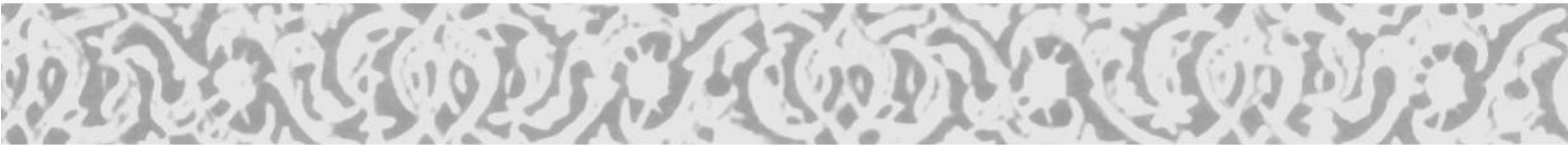


آنچه معماران در این وادی انجام می‌دادند، گونه‌ای نیایش و اظهار بندگی بود. آنان هرگز بدون وضو دست به کار نمی‌شدند و حتی گاه با لباس احرام و در حال نوعی بی‌خبری از جهان مادی ناپایدار، هدیه خود را به درگاه حضرت دوست تقدیم می‌کردند. در حالی که این، نقطه مقابل روح معماری غربی است که فردیت خلاقانه معمار، محور کار است. همچنین هنرمندان و معماران مسلمان به تزیین بنا از دیدگاه اعتقادی خود می‌نگریستند و آن را در خدمت آفرینش فضای مورد نظر خویش به کار می‌بردند. تزیین در معماری اسلامی، پوشاننده حقیقت و ترفندی برای زیبانمایی نیست. بنا بر این با تزیینات دنیایی که به منظور پنهان کردن باطن معیوب و اغوای مخاطبان به کار گرفته می‌شود، تفاوت‌های اساسی دارد. تزیین در این معماری، هماهنگ‌سازی مصالح با فرم کلی و همچنین ایجاد «طراوت» و «درخشش» در بنا است. در تزیینات اسلامی، فریب تصویری و یا تفاخر هنرمند و ابهت آفرینی‌های دروغین مدنظر نیست؛ هدف این است که سکون و سروری که لازمه عبادتگری است، پدید آید.

در معماری اسلامی، مسجد اهمیت ویژه‌ای دارد: در نگرش نخستین، محلّ عبادت است؛ ولی مکانی برای بحث و فحوص در علوم گوناگون و جایگاه رفع مشکلات و حل گرفتاری‌ها نیز به شمار می‌رود. حتی در تاریخ تمدن اسلام مشاهده می‌کنیم که مدارس و مساجد، دو مکان جدا از یکدیگر نیستند و عبادت و دانش در محلی واحد صورت می‌پذیرفته است. هرگز دیده نشده است که حرکتی اسلامی و فریادی حق طلبانه از مسجد آغاز نشده و یا به گونه‌ای با آن پیوستگی نداشته باشد.

اما همزمان با تخصصی شدن امور و پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی در جهان اسلام، که از یکسو محصول گسترش کیفی جهان اسلام و از سوی دیگر محصول آشنایی با نظام‌های

کلاسیک در تمدن‌ها و کشورهای دیگر، از جمله تمدن‌های روم و ایران بود، گونه‌ای تقسیم وظایف به وجود آمد. این تقسیم وظایف به تخصیص مکان‌هایی انجامید که بستر انجام این وظایف بودند. برای مثال، مسجد در صدر اسلام، مرکز انجام بسیاری از امور بود؛ ولی در حکومت امویان دیگر همه آن کارکردها را نداشت. معاویه هنگامی که در شام به زمامداری رسید، کوشید متأثر از یونان و روم، حکومتی مدرن داشته باشد. از زمان معاویه به بعد، این تقسیم وظایف در خاندان اموی به تقسیم اموری انجامید که در مسجد انجام می‌گرفت؛ از این رو به موازات مسجد، دارالافتاء، دارالقضاء و... تشکیل شد؛ در حالی که در صدر اسلام و در زمان امیرالمؤمنین، این



◆◆ **تزئین در معماری اسلامی، پوشاننده حقیقت و ترفندی برای زیبانمایی نیست. بنا بر این با تزئینات دنیایی که به منظور پنهان کردن باطن معیوب و اغوای مخاطبان به کار بسته می شود، تفاوت های اساسی دارد.**

◆◆ **در تاریخ تمدن اسلام مشاهده می کنیم که مدارس و مساجد، دو مکان جدا از یکدیگر نیستند و عبادت و دانش در محلی واحد صورت می پذیرفته است.**

امور در مسجد انجام می شد.<sup>۲</sup>

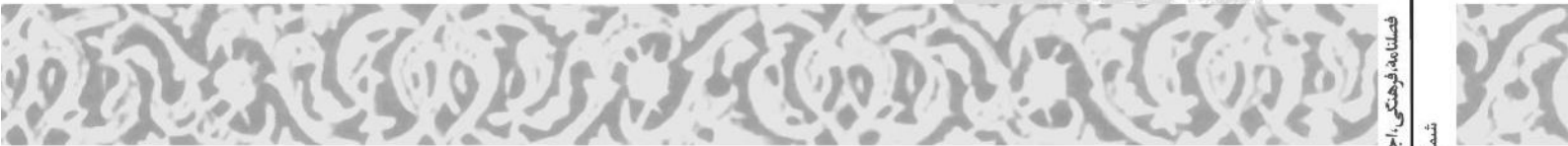
هنگام ورود به شهری اسلامی که هویتی اسلامی دارد، دو بعد را می توان دید: بعدی معنوی که مسلمان بودن شهر، نمایانگر آن است، و دیگر، بعد کالبدی و فضایی که هویت مادی شهر به حساب می آید. معماری مسجد در چنین شهری، معماری مرکزی شهر است؛ همان طور که وقتی معماری کوفه به امیر المؤمنین (ع) واگذار شد، حضرت ابتدا مسجد شهر را بنا نهادند. بر اساس سنت اسلامی، پس از مسجد، مدرسه و بعد بازار ساخته می شود. مسجد در ساختار منسجم اولیه، هویتی به بقیه امور می بخشید؛ ولی با تجزیه امور، آن هویت خدشه دار شد. هنگامی که در مسجد با عنوان دارالقضاء، دارالافتاء و دارالاماره فعالیت می شد، قداست معنوی خاص آن، بر ذهن و روح حاضران تأثیر می گذاشت و فضای خانه خدا را تداعی می کرد. خانه خدا، اصطلاحی کاملاً تأویلی است؛ یعنی محل تجلی و حضور خدا. تجزیه امور و خارج شدن آن ها از ساحت مسجد، به دور شدن از اصلی معنوی انجامید که اسلام در پی آن بود. یعنی در همان اوان قرن دوم هجری، نوعی دوگانه انگاری در بطن نگاه به هویت فرهنگی و اجتماعی مسجد پدید آمد و به مرور شدت یافت.

البته این تقسیم وظایف اجتناب ناپذیر بود؛ زیرا با توسعه جامعه، محل واحد برای رسیدگی و تدبیر امور گسترده آن، کافی نبود. هنگامی که تقسیم وظایف و گستردگی امور سبب شد تا ساختمان های جداگانه ای به وجود آید، سعی شد با فضا سازی مشابه معماری مسجد، فضای معنوی آن به مراکز و ساختمان های مزبور انتقال یابد. در همه شهر های سنتی در ایران، عربستان، مصر، سوریه و حتی شمال آفریقا و هند بعد از مسجد جامع - که نماد شهر اسلامی است - مدرسه هایی با همان قوس ها و

مقرنس های معماری مسجد به وجود آمده که فضای مسجد را تداعی می کنند؛ زیرا در تمدن اسلامی، تعلیم و تربیت هم جزئی از عبادت به شمار می آید. اگر به بازار های سنتی موجود مانند بازار وکیل، کاشان و اصفهان هم توجه کنید، می بینید که معماری آن قدسی است و وجود مقرنس ها و مبناهای قوسی و دایره ای، بر این امر دلالت می کند. بنا بر این، معماری اسلامی با همانند کردن فضای معماری بازار و مسجد، هیچ جدایی بین تجارت و عبادت قرار نمی دهد. به واقع، کالبد یا همان فضا است که ما را به همانندی تجارت و عبادت می رساند. به همین دلیل در معماری اسلامی، فضای مسجد، بازار و مدرسه یکسان است.

در بررسی تاریخ معماری اسلامی تا دوران معاصر پی می برید که مسجد، مدرسه و بازار هویت واحدی داشتند؛ ولی آرام آرام دست خوش تغییر شد و کار به جایی رسید که در قرن حاضر شاهد کم رنگ شدن روز افزون معماری اسلامی و در مقابل، گسترش معماری بی روح غربی هستیم، که نتیجه ای جز گسترش فرهنگ بی حیایی و غریان کردن فضای خانه ها در منظر مردم کوچه و بازار ندارد...

ظهور غرب گرایی در ایران و گسترش آن، که به انحراف نهضت مشروطه و سپس حاکمیت سلطنت وابسته پهلوی انجامید، در منحرف کردن معماری اسلامی نقش بسزایی داشت. به رخ کشیدن نوآوری های علمی و فن آوری غرب و در پناه آن، حمله به سنت ها و آداب دینی به بهانه کهنگی و عقب ماندگی، مهم ترین راهکار منورالفکر های غرب زده، برای تسخیر فکر و جان عوام و خواص بود. ترجیح بند غالب خطابه ها، مقاله ها و آثار غرب خواهان ایرانی، این بود که غرب، پیشرفته است و ما عقب مانده ایم. گام بعدی پس از القای این مسأله، نسخه پیچی برای بیماری عقب ماندگی بود





◆◆ در قرن حاضر شاهد کم‌رنگ شدن روز افزون معماری اسلامی و در مقابل، گسترش معماری بی‌روح غربی هستیم، که نتیجه‌ای جز گسترش فرهنگ بی‌حیایی و غریبان کردن فضای خانه‌ها در منظر مردم کوچه و بازار ندارد.

◆◆ در نظر گرفتن بیرونی - اندرونی که بخش جدایی‌ناپذیر معماری اسلامی بود، امروزه برای مسلمانان قرن ۲۱ توجیهی ندارد. دغدغه مسلمانانی که در آپارتمان بزرگ شده، Open بودن آشپزخانه و دکوراسیون داخلی خانه است.

۲۱ توجیهی ندارد. دغدغه مسلمانانی که در آپارتمان بزرگ شده، Open بودن آشپزخانه و Set بودن دکوراسیون داخلی خانه است. او می‌کوشد تا خانه‌اش در شمال شهر و نمای بیرونی آن از سنگ‌های ایتالیایی باشد، آیفن تصویری داشته و آسانسورهایش شیک و امروزی باشد. زیاده‌خواهی و فرهنگ مصرف‌گرایی که زاینده تمدن غربی است، کار را به جایی رسانده که مسلمان امروز حتی به استحکام مجتمع آپارتمانی مورد نظرش کم‌تر از داشتن جککوزی و میز بیلیارد در مجتمع توجه دارد.

ترویج فرهنگ بی‌بند و باری از یکسو و تشریفاتی و بی‌محتوا شدن زندگی مردم از سوی دیگر، راه را برای برپایی کاخ‌ها و خارج شدن معماری اصیل از مسیر هنر اسلامی، هموار کرد. در این میان کم‌کاری مجریان نظام پس از انقلاب نیز قابل تأمل است؛ زیرا بنابه گفته برخی از کارشناسان معماری، در دهه ۷۰ و دوران سازندگی همه موجودی معماری ایرانی - اسلامی به تاراج رفت. کسانی که آن سال‌ها در برابر تهاجم آشکار غرب به هویت و فرهنگ اسلامی سکوت کردند، امروزه باید پاسخ‌گو باشند. با آرزوی این‌که دوباره صفا و صمیمیت و سادگی به خانه‌هایمان باز گردد.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. علیرضا باوندیان، معماری اسلامی، مآرای معنا، ص ۷۶.
۲. گفتگو با حسن بن‌خاری در روزنامه همشهری، ۳۱ / ۵ / ۸۳.
۳. ز. ک. تاریخ تمدن اسلام، جلد ۴، ص ۱۰۷.
۴. مهدی نصیری، اسلام و تجدد، ص ۳۲.

که در این مرحله، دین و هر چیزی که رنگ و بوی دینی داشت - از جمله معماری دینی - به چالش گرفته می‌شد و از حذف، تبدیل و تغییر و یا بسط و انعطاف آن با زمان، سخن به میان می‌آمد.<sup>۱</sup>

تأثیر زرق و برق تجدد و فضاسازی تجددگرایان، به حدی بود که بسیاری از متدینان نیز ضرورت تجدد را پذیرفتند. بخشی از ناکامی‌های پس از انقلاب در ساخت جامعه‌ای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، از بستر تمدنی نادرست و متأثر از دنیای مدرن، سرچشمه گرفته است؛ هرچند گروهی ناآگاه و یا مغرض، آن را نتیجه نقص احکام اسلامی و یا کم‌کاری فقها و حوزه‌های علمیه می‌پندارند. احیاناً اگر در این زمینه، نقضی جدی وجود داشته است، در اثر درک نکردن این مسأله بوده که در بستر معیشتی برخاسته و متأثر از تمدن الحادی، نمی‌توان به انتظار نمردهی مطلوب و بی‌آفت بدر اسلام نشست. به راستی چگونه می‌توان در جامعه‌ای دارای نظام آموزشی، اداری، قضایی و رسانه‌ای مدرن و غربی، آرمان‌های اسلامی را به صورت کامل و یا حتی در نسبتی قابل قبول، محقق کرد؟!

فرهنگ آپارتمان‌نشینی، خانه‌های ویلایی با دیوارهای کوتاه و در بعضی جاها بسنده کردن به حصاری نرده‌ای از جمله مواردی است که بر تمایز آشکار معماری اسلامی با معماری حاضر دلالت می‌کند. امروزه از معماری اصیلی که بر مبنای هنر اسلامی عمیق و هدفمند طراحی شده بود، جز لایه‌ای نازک چیززی باقی نمانده است. درهای خروجی آن دسته از واحدهای آپارتمانی که روبه‌روی هم‌باز می‌شوند، دیگر به ساکنان آن اجازه باحیا بودن نمی‌دهد. در نظر گرفتن بیرونی - اندرونی که بخش جدایی‌ناپذیر معماری اسلامی بود، امروزه برای مسلمانان قرن

